

ایران از نگاه شرق شناسان

گفتگو با پروفیسور نیکی کدی

برگردان: گودرز رشتیانی

■ در صورت امکان در باره سالهای اولیه‌ی زندگیتان برای ما بگویید؟

□ والدینم مرا آنتینا (راگوزین) نامیدند. اما وقتی که بزرگ شدم نیکی نامیده شدم. وقتی که سه سال داشتم خانواده‌ام به یک شهر کوچک اعیان‌نشین در نیویورک نقل مکان کردند. در آنجا پدرم مدیر یک دستگاه نساجی بود. تا هنگام شش سالگی‌ام در آنجا زندگی کردیم. وقتی که به بروکلین برگشتیم ابتدا به مدرسه دولتی و سپس به مدرسه خصوصی رفتیم که نام آن مدرسه شهر و روستا بود وقتی که ده سال داشتم به مانهاتان نقل مکان کردیم و به یک دبیرستان خیلی خوب که اسمش «هواس - من لیکن» و خیلی هم مشهور بود رفتیم. مدرسه متعلق به مُدرسان دانشگاه کلمبیا بود. بعد از اینکه دو سال در آنجا بودم بسته شد حتی بعد از آن هم من به تاریخ علاقمند بودم.

خواندن شعر و داستان را از سال چهارم دبیرستان آغاز کردم و از آن موقع خیلی به ادبیات روسیه علاقمند شدم. اما پیش از آن، هنگامی که ۱۱ ساله بودم گفتم که می‌خواهم یک گزارش و تحقیق در باره قسمتهای دیگر جهان به جز اروپا انجام دهم. بنابراین یک تحقیق در باره مغول انجام دادم. تا آنجایی که به یاد دارم آن را از یک کتاب برداشتم چون منابع مدرسه‌مان محدود بود. اما علاقمند شده بودم نگاهی به ماورای غرب بیندازم.

در ۱۹۴۷ به ردیکلیاف رفتیم. در تاریخ و ادبیات تخصصی پیدا کردم که ترکیب آنها یک امتیاز ویژه بود. ادبیات

اشاره: این مصاحبه ترجمه‌ای است از فصل ۶ کتاب «نگرش‌هایی به تاریخ خاورمیانه» (مصاحبه با تاریخ‌دانان عمده خاورمیانه) Approaches to the Historians of the Middle East اثر نانس الیزابت گلینجر Elizabet Nancy Gallanger انتشارات «ایت هاگ» ۱۹۹۶.

به جهت طولانی بودن متن اصلی و همچنین به دلیل اینکه قسمت اعظم مصاحبه خارج از چهارچوب علمی - تاریخی می‌باشد، در ترجمه‌ی این اثر سعی بر این شده است که تا حد ممکن قسمت‌هایی از مصاحبه که مورد استفاده علمی دانشجویان قرار می‌گیرد، تلمیص و ترجمه شود.

«نیکی کدی» متولد ۱۹۳۰ از بروکلین، متخصص در تاریخ معاصر ایران است. تاریخ و ادبیات را در دانشگاه «ردکلیاف»، فوق لیسانس را در دانشگاه «استنفور» و دکترا را در دانشگاه کالیفرنیا «برکلی» گرفت. تاریخ اروپا را در دانشگاه آریزونا (تاکسون)، تمدن غرب را در دانشگاه «اسکرپس کلیرفنت» و تاریخ خاورمیانه نوین را در دانشگاه کالیفرنیا (لس آنجلس) درس داد و در آنجا استاد تاریخ بود. امتیاز شرکت را کفر، و امتیاز «گاگنهیم جان سیمون» را دریافت کرده است و رئیس اتحادیه مطالعات خاورمیانه و محقق افتخاری مرکز «ویلسون ودرو» از طرف محققان بین‌المللی بوده است.

مصاحبه‌ی زیر در خانه‌اش واقع در «سانتامونیکا» (کالیفرنیا) در ۶ ژانویه ۱۹۹۰ توسط فرزانه میلانی و ۲۲ آوریل ۱۹۹۰ توسط نانس الیزابت گلینجر انجام شد.



و تاریخ اروپا در قرن نوزدهم را انتخاب کردم. در آن زمان به تاریخ ایتالیا علاقمند شدم و پایان نامه‌ی لیسانس در باره سوسیالیست ایتالیا بود. حتی قبل از ردیکالیف در سیاستهای جناح چپ خیلی مشغول بودم.

■ چه مدت در بروکلین ماندید؟

□ من تا ۱۹۵۷ در بروکلین ماندم و خیلی زود مدرکم را گرفتم. وقتی که ۲۴ ساله بودم، یعنی در سال ۱۹۵۵. آن زمان ایران را خیلی جدی نگرفتم، چون فقط یک سال فارسی و دو سال عربی خواندم. یک تر نوشتم که شامل موضوع زبان فارسی می‌شد. اگر تا آن زمان فارسی را بهتر یاد می‌گرفتم خیلی زودتر این موضوع را گرفته بودم. بهرحال ایشان بندرت فارسی را در «بروکلین» درس می‌دادند. بنابراین مجبور شدم منتظر بمانم تا هنگامی که بتوان در جای دیگر آن را بگیرم.

■ بنابراین دربروکی شما تصمیم به مطالعه در باره ایران گرفتید؟

□ بله هیچ رابطه‌ای با ایران نداشتم. به نظر می‌رسید همه فکر می‌کردند خیلی منحصر به فرد است. در آن زمان ایران در دوره‌ی مصدق بود که واقعاً خیلی جالب بود ایران همچنین به عنوان کشوری که قدمت فرهنگی خیلی زیادی - مانند ایتالیا - دارد برایم جذاب بود. به این خاطر که ایران، تاریخی کهن همراه با آثار هنری فراوان و پیشرفته‌های چشمگیر ادبی دارد و از نظر سیاسی خیلی جالب است من این موضوع را انتخاب کردم.

■ چگونه موضوع رساله‌ات را انتخاب کردی؟

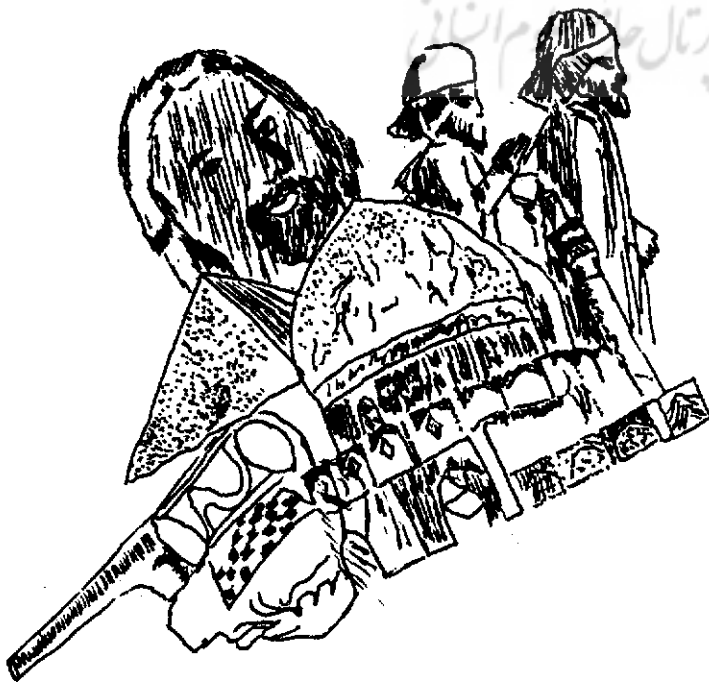
□ امکان انجام دادن یک تحقیق توصیفی را نداشتم، تا حدودی به خاطر اینکه هر چند در آن زمان به اندازه کافی فارسی می‌دانستم اما موضوعات در زمینه زبان فارسی در ایران کم بود و به «ر.ک. رضانی» نامه‌ای نوشتم و از او خواهش کردم که یک نمونه از تاریخ کلاسیک نوشته کسروی (تاریخ مشروطه‌ی ایران) در اختیارم بگذارد. به دلایل سیاسی نمی‌توانستم به خارج بروم و پاسپورت بگیرم. بنابراین یک موضوع کلی به نام «تأثیر غرب در تاریخ جامعه نوین ایران» مطمئن هستم اگر آن را دوباره بخوانم پریشان می‌شوم. بخاطر دارم در آن زمان می‌گفتم که هر چند این کتاب کلی است، در ۲۵ سال آینده استفاده‌های زیادی از آن می‌کنم. و در واقع این چنین هم شد. و این یک دلیل بود که قادر شدم بزودی کتاب «ریشه‌های انقلاب»^(۲) را چاپ کنم. این کتاب کاملاً متفاوتی است. اما در مرحله قبلی تحقیق رساله سودمند بود.

در سال ۱۹۸۵ این امکان برایم بوجود آمد که پاسپورت بگیرم. بنابراین من و همسرم سعی کردیم به ایران برویم. او

علاقمند بود که پایان نامه اقتصادش را در ایران بگذراند، بنویسد بنابراین ما در سال ۶۰-۱۹۵۹ به ایران رفتیم. در طی آن سال فهمیدم که هیچ آمریکایی در ایران تحقیق نمی‌کند. فقط چند باستان‌شناس آنجا بودند. موضوع من «انقلاب مشروطیت در سالهای ۱۱-۱۹۰۵» بود. افرادی که بعداً تصمیم گرفتند در مورد این موضوع تحقیق کنند به همان نتیجه‌ای رسیدند که من گرفتم. چون این تحقیق موضوع گسترده‌ای دارد اگر شما بخواهید چند سال وقتتان را اختصاص بدهید نمی‌توانید واقعاً در این موضوع مهارت کسب کنید.

اما در آن زمان هیچکس این را نمی‌دانست. بنابراین اندیشه به این موضوع را در ایران خاتمه دادم. در واقع تحقیقات زیادی در حاشیه این موضوع داشتم که اختصاص به دوره قبل از انقلاب بویژه نهضت تنباکو (۹۱-۱۸۹۰) داشت که ابتدا به صورت یک مقاله و بعداً به صورت کتاب درآمد. تا سال ۱۹۹۰ هیچ محقق غربی در مورد انقلاب مشروطیت تحقیق نکرده بود. اخیراً منقول بیات که قبلاً دانشجوی خودم بود و جانت آفری کارهای بیشتری در باره‌ی این انقلاب انجام داده‌اند.

هنگامی که در ایران بودم، برایم خیلی جالب و کاملاً پرخادته بود. ماهها طول کشید که مرحوم سید حسن تقی‌زاده را دیدم. اما وقتی که او را دیدم مصاحبه‌های زیادی را انجام داده بودم. تقی‌زاده اولین کسی بود که به من گفت: «تعدادی از روشنفکران وانمود می‌کنند که مسلمانان مذهبی هستند اما مسلمان نبودند. و جزئیات اشخاصی را که در طی انقلاب مشروطیت می‌شناخت به من داد.





در ایران اشخاصی مثل تقی زاده وجود داشتند که مرا جدی نمی گرفتند. اما در پایان توانستم در درون بسیاری از آنها رخنه کنم. تقی زاده لیست تمام کسانی را که می خواستم با آنها صحبت کنم به من داد، اما بعضی از ایشان به دلیلی که به مسایل مذهبی به نوعی ربط داشت به من معترض بود در اوایل خیلی به ایران علاقه مند نبودم اما در پایان واقعاً علاقه مند شدم. تا حدودی به دلیل اینکه عجیب بود و هنوز برایم جالب است.

■ همانگونه که گفتید، سفر اول به ایران منجر به چاپ کتاب انقلاب و شورش در ایران شد (جنبش تنباکو ۱۸۹۲-۱۸۹۱): آیا شما کتاب مورد نظر را کتاب روایتی می دانید؟^(۴)

□ فکر می کنم کتاب تنباکو تقریباً روایتی است، اگر چه سعی کرده ام روندهای مذهبی، اقتصادی و اجتماعی را در آن بیاورم. اولین کتابم در باره ی سیدجمال الدین اسدآبادی، بیشتر تجزیه و تحلیل روشنفکرانه است تا یک کتاب روایتی. (۵) دومین کتاب درباره ی اسدآبادی - بیوگرافی طولانی او - بیشتر روایتی است. اما خودم را در زمره ی تاریخ دانان روایتی نمی دانم. (۶) آثارم روایتی نیستند و اغلب علاقه مند به آنگونه مسایل و تحلیلهایی بوده ام که در مقالاتم به آنها تاکید کرده ام. همچنین چند مقاله ی تحلیلی اولیه نوشتم:

قوانین غربی در مقابل ارزشهای غربی و مذهب و غیر مذهب در ناسیونالیسم ایرانی سمبل و صداقت در اسلام.^(۷)

در این مقالات، با دیدگاههای جدید به مشکلات تاریخ روشنفکری در روابط بین اسلام و سیاست را - که در آن درگیر بودم - پرداختم. من یکی از اولین کسانی بودم که پرسیدم: «چرا طبقه مذهبی ایرانیان (علماء) که در تاریخ جهان بی نظیر است خودشان در یک طرف که مخالف شاه بوده، گذاشتند و فعلاً در انقلاب ضد دولت شرکت کردند؟» انقلاب یک پدیده بی نظیر بود. در کتاب ریشه های قدرت علما در ایران نوین دلیلی را برای موفقیت بی نظیر علمای ایران پیشنهاد کردم.^(۸)

هنگامی که در باره ی شخصیت جمال الدین افغانی تحقیق می کردم، دریافتم که تمام گروه مردمی که بعنوان شخصیت های مذهبی در جنبش های رادیکالی شناخته می شوند، زیاد مذهبی واقعی نبودند؛ منظورم فقط اسدآبادی

نیست. شخصیت اسدآبادی خیلی پیچیده بود. مطمئناً او یک شخصیت مذهبی سنتی نبود. فلسفه های ارسطویی و افلاطونی در ایران دیرتر از قسمت های دیگر خاورمیانه مطرح و مورد اهمیت واقع شد. اسدآبادی در این سنتی که بسیاری از جنبش های رادیکالی در ایران بود رشد کرد. می توانیم بگوییم اسدآبادی و نوع شخصیتی که امروزه ما دوباره می توانیم ببینیم

(علی شریعتی) از این سنت بیرون آمده اند. در همان زمان، موضوع فشارهای اجتماعی و اقتصادی را که به روم می گذشت، رها نکردم، گرچه کانون تحقیقم نبود. نگرش من به اسدآبادی قبلاً در کتابهای آلبرت هورانی و علی کدوری و هما پاکدامن نوشته شده بود. اما نظر من اختصاصی تر و تا حدودی نظریه ی جدیدتری بود.^(۹)

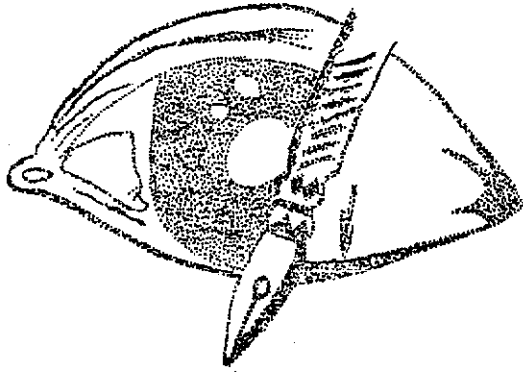
من سعی در خلاصه کردن آنچه را که روشنفکران مختلف گفته اند و همچنین سعی در تجزیه و تحلیل تاثیر مردم گذشته را که روی آن مطالعه می کردم، نداشته ام. نسبتاً سعی کرده ام که شخص را در محیطی که زندگی کرده است مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم. من بر روی کتاب اسدآبادی مدت طولانی - یعنی از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۱ کار کردم. این کتاب در سال ۱۹۷۲ چاپ شد. بعد از آن روی مقاله ها و کتابهای چاپ شده کار کردم و کتاب بعد من در باره ریشه ی انقلاب، در ۱۹۸۱ بود.^(۱۰)

■ آیا می توانید ارزیابی کنید چطور تفکر مارکسیسم در نوشته ی شما تاثیر داشته است؟

□ مارکسیسم - که البته توسط افراد مختلف به انواع گوناگونی تعبیر شده است - تجزیه و تحلیلی است که خصوصیات ساختاری و تاریخی را ترکیب می کند و تاکیدی بر توضیحات برای تفسیر همه ی موضوعهای مورد علاقه ی تاریخ دانان دارد. مارکسیسم همچنین در اصل یک موضوع جهانی است، نه نژادگرایی یا برهنه گرایی. گرچه مارکس خودش، و تعداد زیادی از پیروانش هم، نژادپرست و برهنه گرا بودند.

هر چند که اصولاً به اهمیت موقعیت ها و مقتضیات تاکید می کند، در زندگی مردم و انسانها بالادست و زیر دست ذاتی وجود ندارد و می گوید که برخی ملت های پیشرفته اساساً به خاطر دلایل اقتصادی شان زودتر رشد می کنند نه به خاطر اینکه مردشان مافوق بوده اند. این طرز تفکر مدت ها است که برای روشنفکران جهان سوم جذاب شده است. مارکسیسم خواهان این است که اختلافات بین جامعه ها و فرهنگ ها را کم رنگ کند و دلیل، این است که بسیاری از روشنفکران بیشتر به نظریه های فرهنگ شرق گرایی رو بیاورند و تغییر جهت بدهند. دیگران توسط شکست های سیاسی و یا قسمتی از جنایات رژیم های خودکامه ی مارکسیسم سرخورده شدند، بویژه بعد از اینکه قدرت را بدست گرفتند. اما عقیده ی اصلی بر اساس تاثیرات متقابل اساسی گروه های مردم با محیطشان و با تغییر و توسعه ی تکنولوژیها و ایدئولوژیها برای فهم تاریخ مهم باقی می ماند.

بخشی از تکوین من از این حقیقت ناشی می شود که چیزهای زیادی از مردم دیگر کشورها آموخته ام. به علاوه سه سال در ایران، و ماههای زیادی در دیگر کشورهای اسلامی و



هستند اما زمینه‌های فرهنگیشان شباهت بیشتری به تمدنهای آسیای جنوبی یا آسیای شرقی دارد.

■ در صورت امکان در باره توسعه‌ی اخیر مطالعات در باره ایران توضیح دهید.

□ از یک طرف رشد خیلی سریعی دارد که خیلی دلگرم کننده است. از طرف دیگر هیچ دانشجوی آمریکایی نمی‌بینم که در این باره تحقیق کند. البته این شگفت‌انگیز است، چون آنها احساس می‌کنند که برای مطالعه در این موضوع باید به ایران بروند. و این موضوع اکنون کمی مشکلتر شده است. در زمان ما رسم شده است که هر کس در باره یک موضوع تحقیق کند باید به آن منطقه سفر کند. گرچه برای تاریخ‌دانان این موضوع می‌تواند تا بعد از دکترا به تاخیر بیفتد؛ همانطوری که برای من اینطور بوده. برای نگاهی به محققان قرن ۱۹ می‌فهمیم که آنها به هیچ‌جا نرفته‌اند. در حالیکه آنها زبان را بهتر از ما که به آن منطقه رفته‌ایم یاد گرفته‌اند. شخصی در ارتباط با کالیفرنیا، جنوبی گفته است که مطالعات ایران، مانند سایر برنامه‌های مطالعاتی، قبیل‌ای شده است. من فکر می‌کنم ترکیبی از دانشجویان بهتر است. اما یک جنبه مثبت برای اکثر ایرانیان دارد، چون تعداد زیادی دانشجو داریم که کارشان را خیلی خوب انجام می‌دهند. ایشان می‌توانند آنچه را که از فرهنگ خود می‌دانند با دانش جدید غربی ترکیب کنند. بعضی از محققان ایرانی که در ابتدا قصد داشتند در زمینه علوم و مهندسی تحقیق کنند با انقلاب شوکه شده‌اند و تصمیم

گرفته‌اند به جای آن فرهنگ جامعه خود را بشناسند. بنابراین ایشان ایران‌شناس هستند تا خاورمیانه‌شناس، و ده سال پیش، اغلب دانش‌آموزان ایرانی با انگلیسی مشکل داشتند در حالیکه اکنون آنها که از مدارس مثل دبیرستان بروولی هلیر فارغ‌التحصیل شده‌اند، از ۹۰٪ دانش‌آموزان آمریکایی بهتر می‌نویسند. من همچنین تعدادی دانش‌آموز ژاپنی، هلندی، و اسرائیلی داشته‌ام. امروز دانشجویان از این نظر برجسته هستند که تعدادی از آنها کارهای قابل چاپ و همچنین چاپ شده قبل از امتحانات جامع دکتری دارند.

بیشتر به خاطر تحقیق در مورد سیدجمال‌الدین اسدآبادی، و برای تحقیق آثار جدید در باره‌ی اسلام و سیاست و مقدار زیادی را در اروپا گذرانده‌ام. بیشتر تابستانها را در لندن که محل مناسبی برای انجام دادن کارهایم یافتیم، گذراندم.

همچنین در نتیجه‌ی دعوت کلودگاهن استاد تاریخ اسلامی و یگوت لازارد استاد فارسی دو سال (۸-۱۹۷۶) را در «سوربن» در دانشگاه پاریس (بخش خاورمیانه) گذراندم.

■ چه موقع به مطالعه در باره‌ی تاریخ زنان علاقمند شدید؟

□ در دهه ۱۹۷۰ فکر کردم که زنان مورد توجه واقع شده‌اند. وقتی که مشاهده نمودم چقدر روزنامه‌های جالب در مورد زنان - مانند اتحادیه مطالعات خاورمیانه - نوشته می‌شود. فکر کردم که زمان اینکه در جهان اسلام به زنان اهمیت داده می‌شود فرا رسیده است. لوپس بک نیز همین عقیده را داشت، و ما در زمینه‌ی چیزهای دیگر نیز مشترک بوده‌ایم. بنابراین تصمیم گرفتیم با هم یک کتاب چاپ کنیم. من اسم کتاب را «زنان خاورمیانه» گذاشتم. اما در این مورد تحقیقات سنگین انجام نداده بودم. همانند موضوعهای دیگر یک عقیده کلی داشتم که برای دیگر مردم نیز مفید بود. جدیداً با همکاری «بس بارون» یک کتاب با عنوان «زنان در تاریخ خاورمیانه» را به چاپ رسانده‌ام.^(۱۱)

■ آیا افزایش جنبش اسلامی در کارهایتان تاثیر گذاشته است؟

□ در مقاله اول، ریشه‌های قدرت علما در ایران نوین، پیش‌بینی کردم که قدرت علماء رو به کاهش است^(۱۲) و در این زمینه تنها نبودم. تقریباً از زمان اولین انتشارم در باره‌ی مذهب و سیاست نوشتم. بنابراین زمینه را برای تجزیه و تحلیل چگونگی جامعه، سیاست و عمل‌های روانشناسی که با جنبش اسلامی جدید مشارکت داشت، دارا بودم.

■ آیا می‌توانید اثر مارشال هاجسن، را ارزیابی کنید،

□ کارش را هنگامی که بصورت جزوه برای دانش‌آموزان شیکاگو بود، خواندم. اما چیزی که واقعاً مرا جذب هاجسن کرد، مقاله‌ی فوق‌العاده‌ش در باره‌ی تصور تاریخ جهان بود. او این اندیشه را دارد که بهتر است تاریخ جهان را به چهار منطقه‌ی تمدن یافته تقسیم کنیم:

۱- آسیای شرقی ۲- آسیای جنوبی ۳- خاورمیانه ۴- غرب یا

اروپا. پس گفت: «اگر می‌خواهید از این چهار تا، دو تای آنها را انتخاب کنید که از نظر فرهنگ و تاثیراتشان با هم بوده‌اند، خاورمیانه و اروپا است. فکر می‌کنم که این کاملاً صحیح می‌باشد. تمدنهای خاورمیانه و اروپا هر دو بر پایه منطق یونان، و توحید بنا شده‌اند.

ما قبلاً فکر می‌کردیم که این دو تمدن باهم دشمن



پی نوشت

- 1- Ahmad Kasravi, *Tarikh-i mashruta - yi Iran* (History of the constitution of Iran); (Tehran: Amir Kabir publication, 1951).
- 2- Nikki R. Keddie, *Roots of Revolution: an Interpretive History of modern Iran* (New Haven: Yale university press. 1981).
- 3- Mangol Bayat, *Iran's first Revolution: shism and the constitutional Revolution of 1905-1909* (New York: Oxford university press (1991); Janet Afary, *the Iranian Constitutional Revolution of 1906-11: Grassroots Democracy, Social Democracy, and the origins of Feminism* (for thcoming, 1995).
- 4- Nikki R. keddi, *Religion an Rebellion in Iran: the Tobacco protest of 1891-1892* (London: Frank Cass. 1966).
- 5- Nikki, R. Keddi. *An Islamic Response to Imperialism: political and REligions writing of sayyid Jamalad-Din "al-Afgham"* (Berkeley: university of California press, 1968).
- 6- Nikki.R. keddi, sayyid Jamal "ad-DinalAfghan" A political Biography (Berkeley: university of California press, 1972).
- 7- Ibid, "Religion and irreligionin eadg Iranian nationalism, pp 265-295, and " symbol and sincerityin Islam", *studia Islamica XIX* (1963), pp.27-63.
- 8- Ibid, *Theroots of the ulama's Rower in modern Iran* *studia Islamica XXIX* (1969), pp.31-53.
- 9- See Albert Hourani, *Arabic Thoughtin the liberal Age 1798-1939* (New York and London: Oxford university press. 1969); Elie kedourie, *Afghanian and Abduh: An Essay on keligious unbelief and political Activism in modern Islam* (New York: Humanities press. 1966); Homa Pakdaman, *Djamaled-Din Assa Abadi, dit Afyhani* (press.G-p. maisonneuve et Larose, 1969).
- 10- Nikki R. Keddie, *Roots of Revolution*.
- 11- Nikki R. Keddie and Beth Baron. *Women in middle Eastern History* (New Haven: Yale university press. 1991).

تاریخ امپراطوری هخامنشیان از کوروش تا

اسکندر

پییر بریان

مترجم: مهدی سمسار

تهران، زریاب، ۱۹۶۸ ص - وزیری، ۲ جلد. چاپ اول ۷۵۰۰۰ ریال.

سلسله هخامنشیان به عنوان اولین حکومت متمرکز ایرانی حائز اهمیتی خاص است. کتاب فوق اثری تحقیقی و ارزنده است که پس از گذشت سالها از تألیف کتاب‌هایی چون «ایران باستان» و ایران از آغاز تا اسلام، به علاقمندان تاریخ ایران باستان ارائه گردد.

نگارنده در این کتاب ابتدا به تاریخ پارس‌ها پیش از تاسیس هخامنشیان و کشفیات باستان‌شناسی در این زمینه می‌پردازد. سپس سه پادشاه نخستین را به عنوان سازندگان امپراطوری بررسی نموده و در این بین به نبردها و روابط خارجی نیز می‌پردازد. در بخشی دیگر وضعیت مالی و سازمان‌های اداری هخامنشیان را مورد مطالعه قرار می‌دهد از مهمترین خصوصیات اثر فوق پرداختن نویسنده به مباحث اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هخامنشیان به صورت مستقل و مفصل است که در پژوهش‌های گذشته این شیوه به چشم نمی‌خورد کتاب در دو جلد تنظیم شده و تاریخ هخامنشیان را تا پایان سلطنت داریوش سوم و غلبه کامل اسکندر بر حکومت هخامنشی، بررسی می‌نماید. همچنین اثر مذکور از فهرست‌های گوناگون (تصاویر، اشخاص، اماکن و منابع) برخوردار است که کمک شایان توجهی به پژوهشگران می‌نماید.

